

## Features of the Rule on the Prevention of Conflict of Interest in Iranian Criminal Law; With Emphasis on the Islamic Penal Cod of 2013 and by a Comparative Approach



Roghayeh Masteri Farahani

(corresponding author), Doctoral student of criminal law and criminology, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.  
Email: farahani2020@gmail.com



Ali Ghorbani

Ph.D. in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Chalous, Iran.  
Email: agt1350@gmail.com



Iraj Rezajnejad

Ph.D in International Law, Islamic Azad University, Chalous, Iran.  
Email: irajerezaenejad@gmail.com

Received: 2024-07-02

Accepted: 2024-10-03



### Abstract

The purpose of this article is to examine of the rule on prevention of conflict of interest in the Islamic Penal Code of 2013 through employment of a comparative approach. Paying attention to the prevention of conflict of interest in the criminal system is a basic rule in line with maintenance of justice and increase of public trust. In the comparative approach, conflict of interest is a set of conditions that cause "professional decisions and actions" to be influenced by a "secondary interest". Conflict of interest takes different forms, the most important of which are: union of rule maker and law enforcement/unity of the supervisor and the supervised/conflict of duty with duty/conflict caused by relationships/conflict of monetary gain with duty, and so on. The issue important because conflict of interest can lead to corruption.

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 7 | No. 24 | Autumn 2024  
(Original Article)

[www.jcl.illrc.ac.ir](http://www.jcl.illrc.ac.ir)

DOI:  
[10.22034/law.2024.2037381.1432](https://doi.org/10.22034/law.2024.2037381.1432)

Analyzing the articles of this law, the authors of this article have identified signs of the legislator's attention to this rule, which are tantamount to findings of the research. In this article, the extent to which the legislator has paid attention to the rule on prevention of conflict of interest in approving the abovementioned law has been determined and the most significant examples of the legislator's approach to this rule have been delineated. The information was collected by the library method and the thematic analysis method was employed to do the data analysis. i.e., by analyzing the content of the articles of the law, their position (positive or negative theme or approach) has been analyzed in relation to the rule on the prevention of conflict of interest. The final finding indicates that the legislator did not have knowledge of this rule when approving this law or, despite its knowledge of it, did not believe in the rule on prevention of conflict of interest.

Comparative studies, however, indicate that different countries and international organizations and conventions pay special attention to this rule.

**KeyWords:** *rule on the prevention of conflict of interest, criminal law, Islamic Penal Code 2013, thematic analysis*



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International


# جلوه‌های قاعده منع تعارض منافع در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با رویکردی تطبیقی

رقیه ماستری فراهانی 

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)  
Email: farahani2020@gmail.com

علی قربانی 

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران  
Email: agt1350@gmail.com

ایرج رضایی نژاد 

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران  
Email: irajerezaenejad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

## چکیده:

هدف از نگارش این مقاله، بررسی جلوه‌های قاعده منع تعارض منافع در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با رویکردی تطبیقی است. توجه به منع تعارض منافع در نظام کیفری، قاعده‌ای اساسی در راستای حفظ عدالت و افزایش اعتماد عمومی است. در رویکرد تطبیقی، تعارض منافع مجموعه شرایطی است که موجب می‌شود «تصمیمات و اقدامات حرفه‌ای» تحت تأثیر یک «منفعت ثانویه» قرار گیرد. تعارض منافع شکل‌های مختلفی دارد. مهم‌ترین آنها عبارتند از: اتحاد قاعده‌گذار و مجری / اتحاد ناظر و منظور / تعارض وظیفه با وظیفه / تعارض ناشی از روابط / تعارض درآمد با وظیفه و... . اهمیت موضوع از آن جهت است که تعارض منافع می‌تواند بستر و زمینه وقوع فساد باشد. نگارندگان در این مقاله، با تحلیل مواد این قانون، نشانه‌هایی از توجه قانون‌گذار به این قاعده، شناسایی کرده‌اند که به مثابه یافته پژوهش است.

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی  
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۷ | شماره ۲۴ | پاییز ۱۴۰۳  
(مقاله پژوهشی)  
www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:  
[10.22034/law.2024.2037381.1432](https://doi.org/10.22034/law.2024.2037381.1432)

در این مقاله، مشخص شده است که قانون‌گذار تا چه میزان، در تصویب این قانون، به قاعده منع تعارض منافع توجه داشته؟ و مهمترین مصادیق رویکر دقانون‌گذار به این قاعده، کدامند؟ گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل تماتیک انجام شده است. یعنی با تحلیل متن مواد این قانون، وضعیت آنها (تم یارویکرد مثبت یا منفی این قانون) نسبت به قاعده منع تعارض منافع تحلیل شده است. یافته نهایی حاکی از آن است که قانون‌گذار در تصویب این قانون یا شناختی از این قاعده نداشته و یا با وجود شناخت، اعتقادی به قاعده منع تعارض منافع نداشته است. مطالعات تطبیقی اما حاکی از آن است که کشورهای مختلف و سازمانها و کنوانسیونهای بین‌المللی توجه ویژه به این قاعده دارند.

**کلیدواژه‌ها:** قاعده منع تعارض منافع، حقوق کیفری، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تحلیل تماتیک

انسانی و مطالعات فرهنگی



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه:

تعارض منافع، مجموعه شرایطی است که موجب می‌شود «تصمیمات و اقدامات حرفه ای» تحت تاثیر یک «منفعت ثانویه» قرار گیرد (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶، ۴). در «موقعیت تعارض منافع»، شخص تصمیم‌گیرنده بر سر دو راهی انتخاب بین «منفعت شخصی» خود و «منفعت عمومی» قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۴۰۱، ۲۸۱) و این امر ناشی از موقعیتی است که وی در آن قرار گرفته است. (A. Garner, 2014, 363).

در این مقاله ضمن بررسی تعاریف و شکل‌های مختلف تعارض منافع در اسناد بین‌المللی، به این سوال پاسخ می‌دهیم که قانون‌گذار ایرانی در هنگام تصویب قانون مجازات اسلامی- مصوب ۱۳۹۲ چه مقدار به شکل‌های مختلف تعارض منافع توجه داشته است؟ و چه جلوه‌هایی از توجه یا بی‌توجهی به مدیریت تعارض منافع در قانون مزبور قابل شناسایی است؟

## ۱. مطالعه تطبیقی

در ابتدا اشاره‌ای داریم به چرایی و اهمیت الهام‌گیری از تجارب بشری در زمینه تعارض منافع و سپس تعاریف تعارض منافع را از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی و برخی صاحب نظران مرور می‌کنیم و در ادامه شکل‌های مختلف تعارض منافع توصیف می‌شوند.

### ۱-۱. چرایی الهام‌گیری از قواعد تعارض منافع

مطابق اصل دوم قانون اساسی یکی از منابع الهام‌بخش در قانون‌گذاری "تجربه بشری" است. در قسمتی از بند ششم این اصل، استفاده از تجارب پیشرفته بشری از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی دانسته شده است. ارتباط این قسمت با قانون‌گذاری در زمینه تعارض منافع به این دلیل است که تأکید این اصل به «استفاده از تجارب پیشرفته بشری» و نیز

«تلاش در جهت پیشبرد آنها» می‌تواند ظرفیت مناسبی برای الگوبرداری قانون‌گذار در زمینه تعارض منافع باشد. بنابراین بررسی این قاعده در قانون داخلی نیز واجد اهمیت است.

### ۲-۱. توجه سازمانهای بین‌المللی و سایر کشورها به تعارض منافع:

کشورهای جهان از نظر نحوه برخورد با موضوع تعارض منافع به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول، کشورهایی هستند که قانون خاصی در این موضوع به تصویب رسانده‌اند و گروه دوم، کشورهایی هستند که تعارض منافع را بدون تصویب در قانون خاص، در لابه لای قوانین مختلف پیش‌بینی کرده‌اند. از جمله کشورهای گروه اول، می‌توان به آمریکا، کانادا، کره جنوبی، صربستان، بوسنی و هرزگوین و... اشاره کرد و از جمله کشورهای گروه دوم نیز می‌توان به کشورهایی نظیر فرانسه، آلمان، اشاره کرد. (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۶) علاوه بر این، سازمانها و کنوانسیونهای بین‌المللی شفافیت توجه به تعارض بین‌المللی به صورت واضح و شفافیت تعارض منافع را در سیاستهای خود تبیین کرده‌اند. به عنوان مثال موارد مرتبط با مدیریت تعارض منافع در سازمان، شفافیت در هشت بند تدوین شده و در سایت سازمان قرار گرفته است. یا سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) که یک سازمان بین‌المللی است، در راستای تحقق اهداف خود در زمینه مدیریت تعارض منافع اقدامات متعددی انجام داده است؛

### ۳-۱. تعاریف تعارض منافع از دیدگاه سازمانها و صاحب‌نظران خارجی:

سازمانهای بین‌المللی و صاحب‌نظران خارجی تعاریف متعددی از تعارض منافع ارائه کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)، تعارض منافع را تعارض بین وظایف دولتی و منافع خصوصی مأمورین دولتی تعریف می‌کند به گونه‌ای که این منافع می‌توانند به نحو نامطلوبی وظایف آنها را تحت تاثیر قرار دهند. (OECD,2005,13)

سازمان شفافیت بین‌الملل، نیز تعارض منافع را شرایطی دانسته که در آن شرایط، افراد یا نهادها اعم از دولت، کسب و کار، رسانه یا سازمان مدنی در موقعیت‌انتخاب بین وظایف خود و منافع شخصی قرار می‌گیرند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶، ۴) همچنین بر اساس نظریه تامسون، تعارض منافع عبارت است از: مجموعه شرایطی که در آن تصمیمی حرفه‌ای در مورد یک هدف اولیه تحت تاثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد (لاریجانی و دیگران، ۲۰۱۳۹۱)

#### ۴-۱. شکلهای تعارض منافع:

در مطالعات تطبیقی حداقل ۱۰ شکل از تعارض منافع شناسایی شده‌اند (محقق داماد، درویش‌زاده، ۳، ۱۴۰۱) که عبارتند از:

اتحاد قاعده‌گذار و مجری<sup>۲</sup>: منظور از اتحاد قاعده‌گذار و مجری وضعیتی است که در آن یک فرد یا سازمان یا نهادی به صورت هم‌زمان دو نقش قاعده‌گذار و مجری را بر عهده دارد.

اتحاد ناظر و منظور<sup>۳</sup>، در این وضعیت، فرد، سازمان یا نهادی مسئولیت نظارت بر خود را برعهده دارد. (مرتب و دیگران، ۱۳۹۹، ۲۰۳)

۱ به نقل از: <http://blog.transparency.org> و نیز سایت سازمان به نشانی:

<https://www.transparency.org/en/corruptionary/conflict-of-interests>

2 . Convergence of Rule-Maker and Executor

3 . Convergence of Overseer and Executor

تعارض وظیفه با وظیفه<sup>۱</sup>، منظور از این شکل در تعارض منافع موقعیتی است که در آن منافع متناظر با یک وظیفه با منافع متناظر با وظیفه دیگر در تعارض قرار می‌گیرد. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶، ۱۱)

منظور از تعارض ناشی از روابط<sup>۲</sup> این است که، هر فرد می‌تواند انواع مختلفی از روابط با دیگران را تجربه کند و این روابط می‌تواند بر تصمیمات و اقدامات آنها موثر باشد. برخی از این اشکال عبارتند از: روابط خانوادگی، روابط سیاسی و حزبی، روابط دوستانه، روابط قومی و قبیله‌ای. (مرتب و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۷۳)

تعارض درآمد با وظیفه<sup>۳</sup>، منظور از این شکل تعارض منافع، موقعیتی است که در آن بین وظیفه سازمانی محول شده به یک کارمند یا مقام دولتی، یک نهاد یا سازمان و درآمد آن تعارض وجود داشته باشد. (مرتب و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۹۸)

درب‌گردان<sup>۴</sup>، پدیده‌ای است که در آن افراد بین بخش خصوصی و بخش عمومی جابه‌جا می‌شوند و با توجه به فرصت‌های مختلفی ایجاد شده در موقعیت تعارض منافع قرار می‌گیرند این جابه‌جایی از بخش دولتی و بخش خصوصی یا برعکس ممکن است یا به صورت همزمان باشد یا به صورت اشتغال پسا دولتی اتفاق می‌افتد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵، ۲ و نیز (World Bank, OECD and UNODC, 2018,26)

پذیرش هدیه<sup>۵</sup>، در تعارض منافع، شیوه‌ای است که یک مقام یا کارمند دولتی زمانی که در مقام تصمیم‌گیری یا اقدام برای فرد یا شخص دیگری قرار می‌گیرد، اقدام به دریافت هدیه نقدی یا غیرنقدی از آن فرد می‌نماید (پیشین، ۱۰۶)

1. Conflict of Duties
2. Conflict Arising from Relationships
3. Conflict of Interest Between Income and Duty
4. Revolving Door
5. Secondary Employment Activities



فعالیت‌های شغلی ثانویه<sup>۱</sup> اشتغال همزمان افراد در بخش حاکمیتی و بخش خصوصی یا عمومی به خصوص بخش‌هایی که ارتباط نزدیکی با پست حاکمیت افراد دارد، یکی دیگر از مصادیق تعارض منافع شخص محور است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵، ۹).

و تابعیت مضاعف زمانی است که یک فرد دو تابعیت یا بیشتر در او جمع شده باشد. (جعفری لنگرودی، جلد دوم، ۱۳۸۸، ۱۱۰۹) وقتی شخصی به طور هم‌زمان این روابط را با دو کشور یا دولت داشته باشد، تابعیت مضاعف دارد. (آل کجفاف، ۱۳۸۹، ۱۰۲) و زمانی که شخص هم‌زمان از دو دولت تابعیت اخذ می‌کند، تعهدی دو طرفه شکل می‌گیرد. از یک طرف شخصی که تابعیت کشوری را اخذ کرده متعهد به انجام تکالیفی است که قوانین کشور مذکور وضع کرده است و از سوی دیگر، دولت‌های اعطا کننده تابعیت حق حمایت سیاسی از شخص مذکور را برای خود قائل هستند. این موضوع مسائلی را به دنبال دارد. (ارفع نیا، ۱۳۸۲، ۵۰) یکی از این مسائل بروز موقعیت تعارض منافع است.

## ۲. قاعده منع تعارض منافع در قانون مجازات اسلامی:

مقاله حاضر، به مطالعه موردی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از زاویه توجه به قاعده منع تعارض منافع در قانون مذکور پرداخته و درصدد پاسخ به این سوال است که: قاعده منع تعارض منافع در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ چه وضعیتی دارد؟ جامعه آماری این مقاله، مواد قانون مجازات ۱۳۹۲ است که به روش "تحلیل تماتیک محتوا" (صفایی، درویش‌زاده، ۱۴۰۳، ۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و وضعیت این قانون از دو زاویه حمایت‌گری یا تحدیدگری قاعده منع تعارض منافع بررسی شده است. رویکرد قانون‌گذار در تصویب قانون مجازات اسلامی از زاویه قاعده منع تعارض منافع به دو دسته کلی قابل طبقه‌بندی است. رویکرد هم‌راستایی با قاعده و یا محدودکننده قاعده با ایجاد موقعیت تعارض منافع.

1. Dual Citizenship

## ۲-۱. هم‌راستایی قانون مجازات اسلامی با قاعده منع تعارض منافع و رویکرد حمایتی از این قاعده

در این قسمت، موادی از قانون مجازات اسلامی بررسی شده که قانون‌گذار آنها را در راستای قاعده تعارض منافع تدوین نموده؛ در حالیکه اشاره مستقیم و صریحی به این قاعده نداشته است. تحلیل تماتیک مواد این قانون نشان می‌دهد که قانون‌گذار در ۱۴ محل، رویکرد حمایتی و یا تأییدکننده نسبت به این قاعده داشته است و گاه در هر محل، چندین ماده قانونی حمایت‌گر وجود دارد. توضیح این موارد، در ادامه آمده است:

### ۲-۱-۱. مجازات‌های تکمیلی و تبعی، (ضمانت اجرای نقض قاعده منع تعارض

#### منافع)

برخی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲۳ نظیر بندهای (پ) و (ت) مبنی بر منع اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین و یا انفصال از خدمات دولتی و عمومی می‌تواند با هدف پیشگیری از نقض قاعده منع تعارض منافع مورد استفاده قضات قرار گیرد، به گونه‌ای که زمینه پیشگیری از نقض قواعد تعارض منافع را فراهم نماید.

### ۲-۱-۲. مصادیق حقوق اجتماعی، (ضمانت اجرای نقض قاعده منع تعارض منافع)

غالب مصادیق حقوق اجتماعی مقرر در ماده ۲۶ می‌توانند ضمانت اجرایی برای نقض قواعد تعارض منافع قرار گیرند. در این ماده، ممنوعیت به‌کارگیری و تصدی مشاغل و سمت‌های خاصی پیش‌بینی شده است. معمولاً کسانی که مرتکب نقض قواعد تعارض منافع می‌شوند، سمت دولتی یا مقام عمومی دارند و از آنجا که حقوق اجتماعی مقرر در این ماده، شامل همه مشاغل و سمت‌های دولتی و عمومی شده، می‌توان گفت نظام جزایی ایران، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای پیش‌بینی ضمانت اجراهای متناسب برای مقابله با نقض قاعده منع تعارض منافع را دارد. مثلاً اگر یکی از اعضای شورای نگهبان در موقعیت تعارض منافع قرار گیرد و اقدامی بر خلاف مصالح عمومی جامعه انجام دهد، مطابق این

ماده، از ادامه عضویت در شورای نگهبان محروم خواهد شد. (محقق داماد، درویش زاده، ۱۴۰۲، ۱۱)

### ۳-۱-۲. منع از اشتغال به کار معین، (ضمانت اجرای نقض قاعده منع تعارض منافع)

ماده ۳۰ به دلیل پیش‌بینی ضمانت اجرای سوءاستفاده از موقعیت شغلی، هم‌راستا با این قاعده ارزیابی می‌شود. مطابق این ماده، اگر کسی با استفاده از موقعیت شغلی خود مرتکب جرمی شود، از ادامه اشتغال به آن شغل، منع و جواز یا پروانه کسب وی لغو می‌شود. در این ماده، قانون‌گذار بدون اشاره صریح به قاعده منع تعارض منافع، ارتکاب جرم با سوءاستفاده از موقعیت شغلی افراد را جرم‌انگاری و ضمانت اجرای لازم را در این خصوص پیش‌بینی نموده است.

### ۴-۱-۲. الزام به انتشار حکم محکومیت قطعی (ضمانت اجرای نقض قاعده منع

#### تعارض منافع)

بندهای متعدد تبصره ماده ۳۶ نظیر بند (پ) اعمال نفوذ برخلاف حق، بند (ج) اخذ پورسانت و نیز بند (چ) یعنی مداخله کارمندان دولت در معاملات دولتی، بند (ث) (تبانی در معاملات خارجی) و بند (ز) (تصرف غیرقانونی در اموال عمومی)، می‌تواند شکل‌های مختلف تعارض منافع را پوشش دهد. جرم‌انگاری این موارد ضمانت اجرای مناسب را نسبت به نقض قاعده منع تعارض منافع پیش‌بینی کرده است (جنیدی، ۱۴۰۱). با این رویکرد، می‌توان گفت بند (ب) ماده ۱۰۹ مبنی بر عدم شمول مرور زمان بر جرائم اقتصادی نیز هم‌راستا با قاعده منع تعارض منافع است.

### ۵-۱-۲. هم‌راستایی تصمیمات دادگاه درباره اطفال و نوجوانان مرتکب جرایم

#### تعزیری با قاعده منع تعارض منافع

ماده ۸۸، ظرفیتی است برای مدیریت تعارض وظیفه با وظیفه یا تعارض منافع ناشی از روابط. در قسمتی از بند (ب) این ماده، تصریح شده است: «... در صورت عدم صلاحیت

والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و... رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی» اقدام می‌شود. این موضوع حمایت‌گر قاعده منع تعارض منافع است؛ زیرا ممکن است اولیای قانونی یا والدین فرد مرتکب جرم علیه طفل شوند و یا به هر دلیلی در شرایطی قرار بگیرند که سپردن طفل به آنها موجب تعارض نقش تربیتی آنها با موقعیت مجرمانه آنها شود. این حکم رافع وضعیت تعارض وظیفه با وظیفه یا تعارض منافع ناشی از روابط است. دادگاه وقتی قرار است طفل را برای مراقبت به افراد مذکور بسپارد، باید مراقبت کند که خود آنها متهم نباشند و در موقعیت تعارض با هدف تربیتی قرار نگیرند.

#### ۶-۱-۲. منوط نمودن تأثیر گذشت قیّم اتفاقی به تأیید دادستان، ضمانت اجرای

##### قاعده منع تعارض منافع

تبصره ۲ ماده ۱۰۱ مصدّاقی از واکنش قانون‌گذار نسبت به موقعیتهای تعارض وظیفه با درآمد یا وظیفه با وظیفه است. حمایت‌کنندگی این تبصره از قاعده منع تعارض منافع به این دلیل است که ممکن است قیّم اتفاقی در اثر تبانی و...، تصمیم به گذشت از اقدام تعقیبی نسبت به مولی علیه خود داشته باشد. منوط کردن این اختیار به تأیید دادستان، می‌تواند تضمینی باشد برای کنترل تصمیم قیّم اتفاقی و اطمینان از اینکه وی در اتخاذ تصمیم مزبور، منافع شخصی خود را مدنظر قرار نداده است.

#### ۷-۱-۲. جرم‌انگاری سوءاستفاده از قدرت، ضمانت اجرای قاعده منع تعارض منافع

در بند (الف) ماده ۱۲۶ پیش‌بینی شده اگر کسی «با سوءاستفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد» از مصادیق معاون جرم محسوب شود. این عبارت، به روشنی نشان می‌دهد افرادی که با سوءاستفاده از قدرت قانونی خود قاعده منع تعارض منافع را نقض می‌کنند و یکی از شکلهای تعارض منافع محقق می‌شود، به عنوان معاون آن جرم قابل تعقیب هستند. در مصادیق متعددی از انواع تعارض منافع، شخصی که مرتکب نقض این قاعده می‌شود به گمان آن است که مستقیماً جرمی را مرتکب نمی‌شود؛ اما با این ظرفیت قانونی می‌توان

استدلال کرد کسانی که با سوءاستفاده از موقعیت و نقض قواعد تعارض منافع، مرتکب عمل مجرمانه می‌شوند، به عنوان معاون جرم قابل مجازات خواهند بود. از نظر سوابق تطبیقی ماده ۷-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه نیز سوءاستفاده از قدرت را از مصادیق معاون جرم برشمرده است.

#### ۸-۱-۲. قاعده منع تعارض منافع و موانع مسئولیت کیفری (مواد ۱۴۶ تا ۱۵۹)

مبحث موانع مسئولیت کیفری، ارتباط زیادی با قاعده منع تعارض منافع دارد. بیشتر فروض پیش‌بینی شده در این مبحث، می‌تواند از نقطه‌نظر هم‌راستایی با قاعده منع تعارض منافع مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان مثال تبصره ماده ۱۵۲ که استثنائات موارد مشمول اضطراب را ذکر کرده، می‌تواند از مصادیق هم‌راستایی با قاعده منع تعارض منافع باشد. زیرا طبق این تبصره، مأمور دولت در هر حال، وظیفه دفع خطر را بر عهده دارد و نمی‌تواند به بهانه ضرورت تشخیص تناسب رفتار ارتكابی با خطر، از انجام وظیفه قانونی خود امتناع کند. (مصدق، ۱۳۹۹، ۱۴۶) مثلاً آتش‌نشان‌ها نمی‌توانند با استناد به شدید بودن خطر از ایفای وظایف قانونی خود امتناع کنند. این تبصره، افراد را در شرایط تعارضی قرار می‌دهد که از یک سو مکلف به فرار از صحنه هستند و از سوی دیگر، مکلف به مقابله با خطر. قانون‌گذار اجازه سوءاستفاده از این موقعیت تعارضی را به آنها نداده و آورده چون بر حسب وظیفه قانونی، مکلف به مقابله با خطر هستند، نمی‌توانند از این موقعیت تعارضی منتفع شده و خود را معاف از انجام وظیفه اعلام کنند. لذا حکم این تبصره، هم‌راستا با قاعده منع تعارض منافع از نوع تعارض وظیفه با وظیفه است.

نمونه دیگر، علل رافع مسئولیت کیفری مذکور در مواد ۱۵۳ تا ۱۵۶ است. در این مواد، وضعیتی تبیین شده که فرد در موقعیت تعارض منافع قرار دارد و قانون‌گذار این موقعیت را به گونه‌ای تفکیک کرده که موجب سوءاستفاده نشود. در همه این مواد، یک قاعده وجود دارد و یک استثنا. قاعده آن است که جرمی که در یکی از حالات ذکر شده در این مواد

اتفاق می‌افتد، موجب مجازات نباشد؛ با یک استثنا آنهم وقتی است که شخص عمداً این شرایط را فراهم می‌کند. در فرض این ماده، متهم می‌تواند دو موقعیت تعارض آمیز ناشی از وجود اصل و استثنا را تصور کند و با عمد مرتکب جرم شود و بخواهد از حکم تبصره (استثنا) استفاده کند. یعنی دو موقعیت تعارض آمیز که در یک موقعیت موجب مجازات و در موقعیت دیگر، موجب معافیت از مجازات است. برای اینکه این دو موقعیت متعارض مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و کسی نتواند از این دو موقعیت تعارض منافع سوءاستفاده کند، قانون‌گذار در راستای مدیریت موقعیت تعارض منافع دو موقعیت را از یکدیگر تفکیک کرده است. ماده ۱۵۷ مصدافی دیگر از تعارض وظیفه با وظیفه است. حالت‌های مختلف مقاومت در برابر قوای انتظامی و ضابطین دادگستری مورد حکم این ماده قرار گرفته است. (تعارض بین دو وظیفه تمکین در برابر ضابط یا دفاع در مقابل وی در صورت تخطی از وظایف قانونی) در اینجا تعارض دو وظیفه به موجب قانون تعیین تکلیف شده و به فردی که در چنین موقعیت تعارض آمیزی قرار گرفته اجازه دفاع داده شده است.

تبیین علل موجهه جرم مذکور در بند (الف) ماده ۱۵۸ نیز وضعیتی را نشان می‌دهد که شخص در شرایط تعارض وظیفه با وظیفه قرار گرفته و مجبور به ارتکاب رفتاری شده که طبق قانون جرم محسوب می‌شود؛ اما این رفتار به حکم یا اجازه قانون دیگری انجام شده است. مثلاً اگر هواپیمایی حامل یک یا چند تروریست باشد و هواپیما بر خلاف مقررات متوقف شود تا تروریستها دستگیر شوند، مسئولین هواپیما در حالت تعارض بین دو قانون اهم و مهم قرار می‌گیرند و به حکم این بند، به قانون اهم که در این فرض حفظ امنیت کشور است، عمل کرده و هواپیما را که در شرایط عادی توقف آن جایز نیست، متوقف کرده و مسئولیت کیفری هم نخواهند داشت. (همان، ۱۶۱)

همچنین ماده ۱۵۹ در خصوص مسئولیت آمر و مأمور در موارد دستور خلاف قانون با تعارض منافع از نوع تعارض وظیفه با وظیفه مرتبط است زیرا مأمور از یکسو وظیفه اجرای امر آمر قانونی را دارد و از سوی دیگر وظیفه رعایت قانون را دارد و ممکن است آمر قانونی

امری غیرقانونی را تکلیف کند. بنابراین مامور در شرایط تعارض وظیفه با وظیفه قرار می‌گیرد. صور مختلفی که در ماده ۱۵۹ آمده، وضعیت تعارض مزبور را این گونه تعیین تکلیف کرده که اگر هر دو از غیرقانونی بودن امر مطلع باشند، به خاطر نقض قانون هر دو نفر مجازات می‌شوند. در این حالت، قانون‌گذار با پیش‌بینی مجازات برای هر دو نفر که با علم به خلاف قانون بودن عمل، اقدام به انجام آن نموده‌اند، درصدد مدیریت موقعیت تعارض منافع است. در حالت دوم، ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قبول کرده و تصور می‌کرده که امر وی قانونی است، از مجازات معاف می‌شود. در این حالت، مدیریت موقعیت تعارض منافع توسط قانون‌گذار فقط نسبت به آمر با پیش‌بینی مجازات صورت گرفته است. علت این حکم آن است که تعارض مزبور در خصوص مامور وجود نداشته است. لذا حکم مقرر در این ماده کاملاً هم‌راستا با قاعده منع تعارض منافع است.

#### ۹-۱-۲. ادله اثبات جرائم؛ هم‌راستا با قاعده منع تعارض منافع

مصادیق عدم شمول اقرار مذکور در ماده ۱۶۵ و تبصره آن در راستای قاعده منع تعارض منافع است. ارتباط این حکم با تعارض وظیفه با وظیفه به دلیل این است که اشخاص پیش‌بینی شده در این ماده، (وکیل، ولی و قیم) وظیفه رعایت غبطه موکل و مولی علیه خود را دارند و باید منافع آنها را رعایت کنند. قانون‌گذار با حکم این ماده، اشخاص مذکور را از قرار گرفتن در موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه ممنوع کرده است تا نتوانند دو وظیفه متعارض را هم‌زمان برعهده بگیرند.

مصدق دیگر، شرایط شاهد شرعی موضوع بند(ج) ماده ۱۷۷ است که ناظر به نحوه مدیریت انواع مختلف تعارض منافع است. زیرا تاکید کرده که شاهد شرعی نباید در موضوع، ذینفع باشد. این شرط بسیار واضحی است که در رابطه با قاعده منع تعارض منافع بوده و می‌تواند از مصادیق تلاش قانون‌گذار در راستای قاعده منع تعارض منافع در هنگام قاعده‌گذاری در باب شهادت شرعی باشد. همچنین تعریف عادل در ماده ۱۸۱ از مصادیق

حمایت‌گر قاعده منع تعارض منافع است. این ماده نشان می‌دهد که تعارض منافع امری متفاوت از عدالت و ایمان است. ممکن است اشخاص مومن و عادل، به دلیل ذینفع بودن در موضوع و یا داشتن خصومت با طرفین، دچار خطای شناختی شوند و در موضوعی شهادت بدهند که ناقض عدالت و ایمان آنها نبوده؛ اما به دلیل ذینفع بودن و یا خصومت داشتن با طرفین حقیقت را نگویند و یا به گونه‌ای بگویند که منطبق با واقع نباشد و دلیلی بر اعتبار آن وجود نداشته باشد. در نتیجه، قاعده‌گذاری در باب اعتبار شهادت شهود، دلالت بسیار واضحی دارد بر اینکه قاعده منع تعارض منافع در متون کهن مورد توجه قانون‌گذار و شارع بوده است. اگرچه با این عبارت به آن اشاره نشده و قاعده کلی تعارض منافع به صورت خاص مورد تاکید نبوده است، اما درک فطری و طبیعی قانون‌گذار و شارع از این مفهوم را به خوبی نشان می‌دهد. نکته بسیار مهم دیگری که از این قاعده‌گذاری می‌توان استنتاج کرد، آن است که تاسیس‌های جدیدی که به کمک تجارب بشری پدید آمده و اصول کلی حقوق را شکل داده است، محصول تجربه جوامع مختلف بشری است که به منزله میراث علمی و معنوی بشریت محسوب می‌شود و نباید به آنها بی‌توجه بود و به صرف عدم تصریح در منابع کهن به سادگی از کنار آن گذشت.

تعارض دو شهادت شرعی موضوع ماده ۱۸۵ که موجب بی‌اعتباری آنها شده، از مصادیقی است که نشان می‌دهد قانون‌گذار در مقام مدیریت تعارض وظیفه با وظیفه بوده است؛ چون قاضی رسیدگی‌کننده را در موقعیت اعتباردهی به دو دلیل اثباتی متعارض فرض کرده و برای چنین موقعیتی، حکمی روشن ارائه داده که عبارت است از سقوط و بی‌اعتباری هر دو شهادت؛ قانون‌گذار در این ماده، به قاعده منع تعارض منافع توجه کرده و با حکمی روشن، قاضی رسیدگی‌کننده را از موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه خارج کرده است.

لزوم بررسی دادگاه در صورتی که قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت باشد در ماده ۱۸۷ نشان می‌دهد که قانون‌گذار درصدد مدیریت موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه بوده است؛



اگر قاضی در موقعیتی قرار گیرد که از یک سو شهادت شرعی وجود داشته باشد و از سوی دیگر، قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت شرعی باشد، چه تصمیمی باید بگیرد. این موضوع نشان می‌دهد که قانون‌گذار درصدد مدیریت موقعیت قاضی در شرایط تعارض وظیفه با وظیفه بوده است.

حل تعارض علم قاضی با سایر ادله قانونی در مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ در رابطه با شناسایی تعارض وظیفه با وظیفه برای قاضی رسیدگی‌کننده قابل استناد است. قاضی در فرض تعارض ادله قانونی، در موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه قرار گرفته و قانون‌گذار با هدف مدیریت موقعیت تعارضی، از نوع تعارض وظیفه با وظیفه حکم خاصی را پیش‌بینی کرده است. در رابطه با کلیه مصادیقی که برای تعارض وظیفه با وظیفه این گونه‌ای بیان شد، این اشکال وجود دارد که ممکن است گفته شود موادی که قانون‌گذار برای تعارض وظیفه با وظیفه قاضی بیان کرده است، ربطی به تعارض منافع ندارد. زیرا زمانی می‌توان تعارض وظیفه با وظیفه را در ارتباط با تعارض منافع تفسیر کرد که فردی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد از یکی از دو طرف تعارض منتفع شود؛ اما در موادی که ذکر شد، اگرچه قاضی در موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه قرار می‌گیرد، اما قید دوم آن وجود ندارد؛ یعنی در این گونه موارد، شخص قاضی از هیچ یک از این تعارض وظایف منتفع نمی‌شود؛ بلکه در شرایطی قرار می‌گیرد که دو وظیفه متعارض دارد و به هر کدام از این دو وظیفه عمل کند، شخصاً از آن منتفع نمی‌شود و در نتیجه اگرچه این موارد تعارض وظیفه با وظیفه است، اما از مصادیق تعارض منافع نیست. زیرا هیچ نفعی برای قاضی در این شرایط وجود ندارد. با وجود این، قانون‌گذار برای نحوه خروج قاضی از موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه تعیین تکلیف کرده است. به عبارت دیگر، این گونه نیست که هر موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه از مصادیق تعارض منافع شمرده شود بلکه زمانی این موقعیت را می‌توان از مصادیق تعارض منافع به شمار آورد که منتهی به نفع شخصی شود. این ایراد، درست به نظر می‌رسد هر چند می‌توان

در مقابل آن توضیح داد که منافع نیز انواع مختلفی دارد. برخی از منافع با توجه به سلسله مراتب نیازها که توسط آبراهام مازلو<sup>۱</sup> بیان شده، قابل انطباق با این موضوع است. منافی که انسانها به دنبال آن هستند، بسته به موقعیت شناختی و ادراکی هر فرد، متفاوت است و همان‌گونه که مازلو در هرم خود ترسیم کرده است، نیازهای مادی و مالی در پایین‌ترین سطح این هرم و نیاز به احترام، عزت نفس، خودشکوفایی و خودانگیزشی در نیازهای سطح بالای انسان قرار دارند. با این توضیح و متناسب با سطح رشد شناختی و ادراکی اشخاص می‌توان گفت منافع متفاوتی برای هر سطح مطرح است. به این ترتیب، اگرچه موقعیتهای تعارض وظیفه با وظیفه توسط قضات دادگاهها، تعارض منافع از نوع مالی نیست و نفع مستقیم مالی ندارد، اما با توجه به آنچه در خصوص سطوح نیازهای انسان مطرح شد، می‌توان گفت در این موارد هم تعارض منافع مطرح است. اما لزوماً نه از جنس مالی و مادی بلکه از منافع غیرمالی نظیر رضامندی از انجام وظیفه، حفظ موقعیت اجتماعی و...

### ۱۰-۱-۲. شرایط اجرای حدود، هم‌راستا با قاعده منع تعارض منافع

تبصره ماده ۲۶۰ و مواد ۲۶۸ و ۳۰۱، ظرفیتی حمایت‌گر از قاعده منع تعارض منافع هستند. در تبصره ماده ۲۶۰ آمده: یکی از شرایط اجرای حد قذف آن است که قاذف پدر یا جد پدری وارث نباشد. بند (ج) ماده ۲۶۸ یکی از شرط اجرای حد سرقت را منوط کرده

۱. هرم مازلو یک نظریه انگیزشی در علم روانشناسی است. هرم مازلو، که به آن نظریه انگیزشی مازلو نیز گفته می‌شود، شامل پنج سطح از نیازهای انسانی است. در هر سطح، نیازهای خاصی وجود دارند که به فرد امکان احساس رضایت درونی را می‌دهند. این سلسله مراتب نیازهای مازلو، اغلب به عنوان یک هرم نشان داده می‌شود تا نمایانگر آن باشد که برای رسیدن به سطوح بالاتر، ابتدا باید نیازهای سطح پایینی به طور کامل تأمین و احساس رضایت مربوط به آن ایجاد شود. در صورت عدم تحقق نیازهای سطوح زیرین، فرد به علت نداشتن انگیزه‌ی لازم برای انجام کار، نمی‌تواند پیشرفت کند. این سلسله نیازها عبارتند از: نیازهای زیستی؛ نیازهای امنیتی؛ نیازهای اجتماعی (مثل علاقه‌مندی و تعلق)؛ نیاز به احترام (مثل عزت نفس و ارزش)؛ خودشکوفایی و خودانگیزشی. مازلو معتقد بود که مردم میل ذاتی به خودشکوفایی دارند، به این معنا که دوست دارند تا به بهترین خود برسند. با این حال، برای دستیابی به این هدف، تعدادی نیاز اساسی مانند نیاز به غذا، ایمنی، عشق و عزت نفس باید در آنها برآورده شود.

به این که سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد. در ماده ۳۰۱ نیز یکی از شرایط ثبوت قصاص این است که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد. این مواد، از مصادیق تعارض منافع ناشی از روابط هستند که قانون گذار به درستی در صدد مدیریت این موقعیتها برآمده است.

### ۲-۱-۱۱- قاعده منع تعارض منافع در روابط مجرم و شاکی

قانون گذار در مواد ۳۵۱ و ۳۵۷ آثاری را بر رابطه خویشاوندی مجرم و شاکی مترتب کرده که عبارت است از: معافیت از اجرای مجازات و یا تعقیب. گفته شده اگر متهم به دلیل وجود رابطه خویشاوندی در وضعیت تعارض منافع قرار گیرد؛ از یک سو مرتکب جرم شده و از سویی دیگر، با ارتکاب جرم، به نحوی علیه منافع خود اقدام کرده و این موضوع در رابطه با قتل-آنجایی که رابطه خویشاوندی بین قاتل و مقتول برقرار است-، نیز قابل استنباط است و می توان آن را از مصادیق توجه قانون گذار به رابطه خویشاوندی میان شاکی و متهم دانست و ادعا کرد که قانون گذار به رابطه خاص پدری و جد پدری توجه ویژه داشته و پیش بینی کرده که فرد در این صورت، علاوه بر اقدام علیه منافع شاکی، علیه منافع خود نیز اقدام کرده است. وجود این رابطه موجب تغییر حکم شده و به نحوی معافیت‌هایی را برای مرتکب جرم پدید آورده که می توان آن را از مصادیق توجه به قاعده منع تعارض منافع شمرد.

### ۱۲-۱-۲. تعارض وظیفه با وظیفه یا وظیفه با راحت طلبی مذکور در ماده ۲۹۵

حکم این ماده می تواند از مصادیق تعارض وظیفه با وظیفه یا تعارض وظیفه با راحت طلبی باشد؛ زیرا فرض مادری که وظیفه قانونی شیر دادن را برعهده دارد، اما کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار در انجام وظیفه قانونی خود اهمال کند و مرتکب ترک وظیفه شود، مسئول شناخته شده است. حالت‌های پیش‌بینی شده در این ماده، می تواند ناشی از تعارض وظیفه با وظیفه و یا تعارض وظیفه با راحت طلبی و آسایش خواهی و یا تعارض

وظیفه با درآمد باشد. با این توضیح که اگر دایه‌ای که شیردادن را ترک می‌کند، به خاطر رسیدن به امور شخصی خودش باشد و یا پزشک یا پرستاری که وظیفه قانونی خود را ترک می‌کند به خاطر ایجاد درآمد و یا راحتی خودش مرتکب ترک وظیفه شود، موقعیت تعارض منافع مطرح است. قانون‌گذار با مسئول شناختن چنین افرادی درصدد مدیریت موقعیت تعارض منافع از نوع راحت طلبی یا تعارض وظیفه با درآمد برآمده است. به عبارت دیگر، منظور از تعارض منافع در این جا هرگونه نفع و راحتی و آسایش و مطلوبیتی است که در اثر ترک وظیفه پدید می‌آید. در این صورت، حکم ماده ۲۹۵ و بسیاری از مواد دیگر می‌تواند با قاعده منع تعارض منافع مرتبط باشد.

### ۱۳-۱-۲. جلوه‌های قاعده منع تعارض منافع در قصاص

ماده ۴۲۰ از مصادیق قاعده منع تعارض منافع از نوع تعارض وظیفه با مطلوبیت و آسایش است. قانون‌گذار با جرم‌انگاری قصاص بر خلاف مقررات از سوی صاحب قصاص، وی را برای استیفای حقوق خود ملزم به رعایت قانون و حقوق شخصی مرتکب نموده است. مصادیق دیگری از تعارض منافع از نوع تعارض روابط در مواد ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ آمده است.

ماده ۴۲۹ نیز می‌تواند ناظر به وضعیت تعارض درآمد با وظیفه یا همان تعارض مطلوبیت شخصی با وظیفه باشد. به این ترتیب که از یک سو شخص به دنبال مطلوبیت شخصی بوده و به دلیل ناتوانی در پرداخت فاضل دیه و یا انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی دم یا مجنی‌علیه مرتکب را در وضعیت نامعین رها نموده و از سوی دیگر به وظیفه خود مبنی بر توجه به نظم عمومی و رعایت حقوق متهم بی‌توجهی می‌کند و فقط به منافع شخصی و مطلوبیت‌های فردی خود توجه دارد. حکمی که قانون‌گذار در این فرض بیان کرده و اختیاری که برای محکوم‌علیه پیش‌بینی کرده تا به دادگاه صادرکننده حکم شکایت کند و مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا اجرای قصاص اقدام کند نشان می‌دهد که قانون‌گذار تلاش کرده که وضعیت تعارض

مطلوبیت شخصی با وظیفه و نظم عمومی را شناسایی کرده و برای برون رفت از آن راهکار مشخصی ارائه دهد.

### ۱۴-۱-۲. جلوه‌های قاعده منع تعارض منافع در دیه و ضمان

محرومیت وارث مرتکب قتل مورث از ارث و دیه مذکور در ماده ۴۵۱ مصداقی از قاعده منع تعارض منافع ناشی از روابط یا تعارض وظیفه با درآمد است. مفاد این ماده، حکایت از توجه قانون‌گذار به قواعد منع تعارض منافع دارد و تدوین آن در راستای قاعده منع تعارض منافع است. قانون‌گذار در این ماده، با محرومیت وارث مرتکب قتل مورث، از ارث و دیه با شرایط ذکر شده در ماده، از بروز انگیزه قتل مورث برای تحصیل ارث او، این موضوع را به نحو شایسته‌ای مدیریت کرده است.

ماده ۴۷۳ مصداقی دیگر از مدیریت تعارض وظیفه با وظیفه است. قانون‌گذار در این ماده با حمایت از مأموری که در موقعیت تعارض دو وظیفه رعایت مقررات و انجام وظیفه قانونی قرار گرفته، به صورت غیرمستقیم سعی در مدیریت موقعیت تعارض منافع داشته است. قانون‌گذار به قواعد منع تعارض منافع از نوع تعارض وظیفه با وظیفه است. مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ و تبصره‌های آن نیز مصداقی از توجه

ماده ۵۱۰ از مصادیق تعارض وظیفه با وظیفه است. در این فرض تعارضی پدید آمده که از یک سو شخص با انگیزه کمک به دیگری رفتاری را انجام داده تا مال، جان، عرض یا ناموس دیگری را حفظ کند و از این جهت، ضمن رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی به وظیفه اخلاقی خود عمل می‌کرده و از سوی دیگر همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شده است. لذا فرد به وظیفه اخلاقی عمل کرده اما همین عمل موجب ضمان شده است. قانون‌گذار در چنین موقعیتی، حکم ماده ۵۱۰ را مقرر داشته و فرد نیکوکار را از مسئولیت ضمان مبرا دانسته است و موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه شخص حقیقی نسبت به شخص حقیقی دیگر، را به رسمیت شناخته و به نفع وظیفه اخلاقی حکم به عدم ضمان کرده است. در نتیجه به نظر می‌رسد که در چنین فرضی قانون‌گذار به مبانی مدیریت موقعیت

تعارض منافع وفادار بوده و هدفش این بوده که وظیفه اخلاقی فرد را مقدم بر مسئولیت ناشی از جنایت برشمرد تا فضائل و اخلاقیات و نیکوکاری در جامعه از رواج لازم برخوردار باشد. ممکن است گفته شود که نفع شخصی فرد نیکوکار در میان نبوده و او به دنبال نفع شخصی برای خود نبوده است. در پاسخ می‌توان گفت که احساس رضامندی ناشی از وفاداری به انجام وظیفه اخلاقی خود از منافع شخصی محسوب و موجب آرامش روانی افراد می‌شود.

تبصره ۲ ماده ۵۱۴ نیز ظرفیتی حمایت‌گر از قاعده منع تعارض منافع و مصداقی از تعارض منافع از نوع تعارض وظیفه با مطلوبیت یا آسایش و راحت‌طلبی است. قانون‌گذار در این تبصره با محروم کردن مأموران دولتی از موارد معافیت‌های ناشی از علل قهری، سعی داشته در صورت احراز قصور یا تقصیر مأموران در شرایطی که به دلایل منافع شخصی از انجام وظایف قانونی خود، سرباز زده‌اند، از بروز موقعیت تعارض منافع پیشگیری کند.

## ۲-۲. قانون مجازات اسلامی محدودکننده قاعده منع تعارض منافع

برخی از مواد این قانون به گونه‌ای تصویب شده‌اند که با قاعده منع تعارض منافع در تعارض و تضاد هستند و این مواد می‌توانند به نوعی زمینه ایجاد موقعیت تعارض منافع را تسهیل کنند.

مصادیق تحدیدگر قاعده منع تعارض منافع در قانون مجازات اسلامی در ۵ محور به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:

### ۲-۲-۱. محرومیت از حقوق اجتماعی

سوال این است که آیا موارد محرومیت از حقوق اجتماعی مقرر در تبصره یک ماده ۱۹، ضمانت اجراهای لازم را برای نقض قواعد تعارض منافع را پوشش می‌دهد یا خیر؟ مثلاً می‌توان الزام به شفاف‌سازی در بیان روابط سببی و نسبی و یا اعلام ذی‌نفعی شخص در یک اقدام عمومی به عنوان ضمانت اجراهای نقض تعارض منافع را در آینده پیش‌بینی

کرد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که مواد راجع به محرومیت از حقوق اجتماعی به گونه‌ای اصلاح شود که ضمانت اجراهای ناظر به نقض قواعد تعارض منافع در آن مورد تصریح قرار گیرد.

## ۲-۲-۲. عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی

عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی مقرر در ماده ۱۰ مصداقی از محدودسازی قاعده منع تعارض منافع است. بسیاری از اعمال مبتنی بر قاعده منع تعارض منافع، خصوصیت جرم مستمر دارد؛ یعنی ممکن است اعمالی در موقعیت تعارض منافع شکل گرفته باشد و بعدها، این اعمال، در قانون جرم‌انگاری شود. مثلاً قرارداد دولتی که قبل از مقررات گذاری با نقض قاعده منع تعارض منافع منعقد شده؛ به استناد عطف بماسبق نشدن قوانین کماکان معتبر باشد، در واقع اجازه ارتکاب جرم مستمر داده شده است. در تفسیر این ماده، باید توجه کرد که حکم آن مقید است به حالتی که موجب جرم مستمر نشود؛ یعنی عطف بماسبق نشدن قوانین، امری مطلق نیست و در صورتی باید به آن توجه شود که عمل ارتكابی از نوع جرائم مستمر نباشد. به عبارتی جرایم مستمر در هر صورت تابع قانون لاحق باید باشند. (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ۲۱) لذا ادامه قراردادی که با نقض قواعد تعارض منافع منعقد شده، پس از جرم‌انگاری آن عمل، نمی‌تواند از توجیه قابل قبولی برخوردار باشد. یعنی زمانی می‌توان اصل عطف بماسبق نشدن را در راستای حمایت از تعارض منافع دانست که عمل انتسابی از نوع جرائم مستمر نباشد. ضرورت تصریح به این استثنا به عنوان اصلاح قانون، به این دلیل است که قواعد جزایی همواره به نفع متهم باید تفسیر شود و در صورتی که این استثنا صریحاً توسط قانون‌گذار در ماده ۱۰ ذکر نشود، اصل تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم ایجاب می‌کند که حتی جرایمی که از نوع جرائم مستمر هستند را نیز مشمول این قاعده بدانیم ولو این که با نقض قاعده منع تعارض منافع منعقد شده باشند؛ لذا بهتر است که در تبصره ماده ۱۰ گفته شود که: این اصل زمانی است که عمل

ارتكابی- که به موجب قوانین لاحق مجرمانه شناخته شده‌است- از نوع جرائم مستمر نباشد.

### ۲-۲-۳. استثنائات اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی

در بند الف ماده ۱۱، قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت، از شمول عطف بماسبق نشدن، استثنا شده است. برای ارائه تفسیری موسع از این بند، می‌توان گفت از آنجا که انواع مختلف تعارض منافع، گاهی با نقض قواعد صلاحیت همراه است و ممکن است مقام صلاحیت‌دار با سوءاستفاده از قواعد راجع به صلاحیت خود، مرتکب نقض قواعد تعارض منافع شود، در نتیجه حکم بند (الف)، به نحوی بسیار خفیف، برخی از قواعد منع تعارض منافع را از شمار اصل عطف بماسبق نشدن استثنا کرده است. لذا پیشنهاد می‌شود قواعد ناظر به تعارض منافع به شمار موارد مذکور در این ماده اضافه شود.

### ۲-۲-۴. اعطای اختیار وسیع به قضات برای صدور حکم به معافیت از کیفر مذکور

در ماده ۳۹:

این اختیار می‌تواند محدودکننده قاعده منع تعارض منافع و تسهیل‌گر زمینه ایجاد موقعیت تعارض منافع باشد. قانون‌گذار با رویکردی نوین، نهادهای ارفاقی نظیر: تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و... را مورد پذیرش قرار داد. وجه اشتراک تمامی احکام پیش‌بینی شده در زمینه نهادهای ارفاقی، اختیار وسیع دادگاه برای تصمیم‌گیری در این حوزه‌ها بر اساس شرایط مقرر است. بر اساس حکم قانون‌گذار، برخورداری محکوم‌علیه از نهادهای ارفاقی به تشخیص دادگاه صادرکننده حکم اولیه است. این موضع قانون‌گذار می‌تواند منشأ ایجاد موقعیت تعارض منافع باشد. یکی دیگر از موارد قابل تأمل، موکول شدن برخورداری از این نهادها توسط محکوم‌علیه به پیشنهاد دادستان است. در این موارد، دادستان به عنوان مقام تحقیق و تعقیب، در موقعیت تعارض وظیفه با وظیفه قرار می‌گیرد. فرض این ماده، در حالتی است که جرائم تعزیری از نوع جرایم سبک بوده و جهات تخفیف وجود دارد و سابقه کیفری موثر وجود ندارد؛ شاکی



گذشت کرده و ضرر و زیان هم جبران شده است. در این فرض باز هم، حکم به معافیت از کیفر، منوط به تشخیص دادگاه است. از آنجا که طبق فرض، این دادگاه، همان دادگاه صادرکننده حکم اولیه است؛ با فرض تحقق شروط پنج‌گانه مزبور، این سوال وجود دارد که چرا در این حالت نیز موضوع به اختیار دادگاه سپرده شده است؟ اهمیت این سوال به این دلیل است که، یکی از انواع تعارض منافع، تعارض ناشی از روابط است. از آنجا که قاضی صادرکننده حکم، یک انسان است و هر انسانی تحت تاثیر روابط شغلی و... قرار می‌گیرد، این خطر وجود دارد که تعهد قاضی صادرکننده حکم، به تشخیص خودش و یا اثر روانی‌ای که برای او پدید می‌آید، موجب تردید در استفاده از این اختیار قانونی شود و با استناد به اختیاری بودن این موضوع، حکم به معافیت صادر نکند. بنابراین، این ماده و تمام موادی که در این‌گونه موارد، قاضی مختار به تصمیم‌گیری است، مثل مواردی که در بند قبل ذکر شد، می‌توانند از مصادیق تسهیل‌گرموقعیت تعارض منافع و تحدیدکننده قاعده منع تعارض منافع باشند. حتی می‌توان خطر بروز تعارض منافع ناشی از اشتغال هم‌زمان را نیز در خصوص حکم این ماده، مطرح کرد. ایفای نقش هم‌زمان یک نفر در تعیین مجازات و صدور حکم به معافیت از کیفر، از مصادیق تعارض منافع است. به این معنا که قاضی هم‌زمان هم نقش تعیین‌گر مجازات و هم به نمایندگی از قوه قضائیه در رابطه با اصلاح مجرم و امثال آن در مورد معافیت وی از کیفر تصمیم‌گیری می‌کند. بنابراین، حکم این ماده می‌تواند زمینه‌ساز بروز دو نوع از مصادیق تعارض منافع شود. قانون مجازات فرانسه (ماده ۵۸-۱۳۲ ذیل گفتار ششم با عنوان "در معافیت از کیفر و در تعویق مجازات"<sup>۱</sup> نیز دادگاه را برای صدور حکم به معافیت از کیفر یا تعویق آن تحت شرایطی مخیر اعلام کرده است.

۱. ماده ۵۸-۱۳۲ «در امور تادیبی یا جز در موارد پیش بینی شده در مواد ۶۳ تا ۶۵ در امور خلافی دادگاه می‌تواند پس از اعلام مجرمیت متهم و در صورت لزوم دستور مصادره اشیای خطرناک یا مضر خواه با معافیت متهم از هر کیفر دیگری خواه با تعویق آن در موارد و شرایط پیش‌بینی شده به موجب مواد زیر حکم را صادر نماید...»

## ۵-۲-۲. اختیار قاضی برای صدور حکم بر تعلیق مجازات (ماده ۴۶)

ایفای دو نقش متفاوت توسط دادستان، مصداقی از تعارض وظیفه با وظیفه و تعارض منافع ناشی از روابط یا تعارض ناشی از اشتغال هم‌زمان است. در این ماده، برای دادستان به عنوان مقام تحقیق و تعقیب، نقش دیگری با عنوان "تقاضای تعلیق از دادگاه صادرکننده حکم قطعی" پیش‌بینی شده است. لذا نوعی از تعارض وظیفه با وظیفه قابل شناسایی است. به این معنا که ایفای نقش دادستان در مقام پیشنهاددهنده و یا موافقت‌کننده با تقاضای تعلیق اجرای مجازات دقیقاً در تعارض با ایفای نقش قبلی دادستان در مقام تحقیق و تعقیب محکوم مزبور است. به عبارت دیگر، ابتدا دادستان به دنبال تعقیب و مجازات است و از طرفی به عنوان تقاضاکننده تعلیق اجرای حکم در قانون برای وی، نقش تعریف شده که این دو نقش، می‌تواند با یکدیگر در تعارض باشد؛ لذا برای کاهش تعارض نقش دادستان، می‌توان پیشنهاد داد که دادستانی که در خصوص مشمولین این ماده باید اظهارنظر کند، لزوماً باید دادستان و یا دادیاری باشد که در مرحله تعقیب و تحقیق از متهم ایفای نقش نداشته تا به این ترتیب از هرگونه تأثیرگذاری روانی و سوگیری ذهنی جلوگیری شود. به عبارت دیگر، تسری مکانیزم جهات ردّ دادرسی، به این موارد، ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا همان‌گونه که وجود هرگونه سابقه اظهارنظر در مرحله دادرسی مانع رسیدگی در مرحله دادگاه است و از جهات رد شناخته شده، بهتر است که دادستان و دادگاهی که در مواد ۴۶ و ۳۹ و امثال آن باید اظهارنظر کنند، لزوماً کسانی باشند که در مرحله تعقیب و تحقیق و حتی در مرحله محاکمه، اظهارنظر نکرده باشند. تا به این ترتیب شائبه جانبداری و خطاهای شناختی<sup>۱</sup> ناشی از سوگیری‌های ذهنی<sup>۲</sup> در رابطه با این افراد مرتفع شود. (پاشایی، معتمدی، ۱۳۹۸، ۹۹)

1 . Cognitive errors

2 . Mental bias

قاعده منع تعارض منافع با شناسایی انسان به عنوان موجودی دارای سوگیری ذهنی و خطاهای شناختی که از مباحث مهم روان‌شناسی است و بر مبنای عملکرد ساختارهای پیچیده ذهن انسانی شناسایی شده است، شرایطی را فراهم می‌آورد که ایفای نقش‌های متعارض موضوعاً مرتفع شود. بنابراین برای ارزیابی مواد قانونی راجع به تعلیق و معافیت از کیفر و امثال آن پیشنهاد می‌شود که این مواد به گونه‌ای بازتنظیم شود که قاضی را در معرض موقعیتهای احتمالی دارای شائبه تعارض منافع و نقش‌های متعارض قرار ندهد.

دلیلی ندارد قاضی‌ای که در مرحله صدور حکم، با متهم مواجهه داشته و تصمیم قانونی خود را در مورد وی گرفته است، تا پایان مجازات، تصمیم‌گیر اصلی در مورد وی باشد. روایی و اعتبار رأی باید به گونه‌ای باشد که تصمیم بر محکومیت، با فرض تأیید توسط سایر قضات اتخاذ شود. بنابراین حکمی که بر محکومیت محکومی صادر شده است، زمانی قابل تعلیق و یا معاف از مجازات باشد، که قاضی دیگری غیر از صادرکننده حکم، بتواند در آن مورد تصمیم بگیرد. به عبارت دیگر، برای این که قضات در شرایط تعارض منافع قرار نگیرند، بهتر است که تصمیم‌گیری‌های تکمیلی در رابطه با اجرای مجازات به قضاتی سپرده شود که در مرحله تعقیب، تحقیق و محاکمه تصمیمی نگرفته باشند و همانند مکانیزم جهات رد، ویژگی انسان بودن قاضی و تحت تاثیر عواطف بودن و خطاهای شناختی را در مورد قاضی نادیده نگیرند. (وکیلان، درخشان، ۱۳۹۹، ۱۹۹) ماده ۲۹-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه نیز مقرر کرده است: «دادگاهی که حکم به محکومیت صادر می‌کند می‌تواند در مواردی و بر اساس شرایط پیش‌بینی شده زیر مقرر نماید که اجرای این کیفر معلق شود...» (گودرز، مقدادی، ۱۳۹۵، ۱۰۴) همچنین ماده ۱۳۲-۵۴ قانون مجازات این کشور مقرر داشته: «دادگاه می‌تواند تحت شرایط و به موجب شیوه‌های پیش‌بینی شده در مواد ۴۰ و ۴۱ حکم دهد که محکوم برای یک دوره ۴۰ تا ۲۰۰ ساعت به انجام یک کار عام المنفعه به

نفع یک شخص حقوقی حقوق عمومی یا انجمنی که صلاحیت اجرای کارهای عام‌المنفعه را دارد مبادرت نماید...» (همان، ۱۱۶)

#### ۶-۲-۲. مسئولیت کیفری مضطر

وجه ارتباط ماده ۱۵۲ با وضعیت تعارض درآمد با وظیفه به عنوان یکی از انواع تعارض منافع این است که فرد برای حفظ جان یا مال خود یا دیگری با وظیفه عمومی عدم ارتکاب جرم، در وضعیت تعارض قرار دارد. در این ماده، پیش‌بینی شده که تحت شرایطی خاص، مرتکب جرم، از مجازات معاف باشد؛ به این ترتیب که: اولاً: خطر را عمداً ایجاد نکرده باشد و ثانیاً: رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب بوده و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.



## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتایج حاصل از موردپژوهی و تحلیل مواد قانون مجازات اسلامی، از زاویه توجه به قاعده منع تعارض منافع، نشان می‌دهد که قانون‌گذار در تصویب این قانون، توجه صریح و آگاهانه‌ای به موضوع تعارض منافع نداشته و در این قانون، صراحتاً و مستقیماً از قاعده منع تعارض منافع ذکری نشده است؛ اما تحلیل تماتیک مواد قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد تم کلی تعارض منافع در مواد متعددی از قانون مذکور به صورت تلویحی و غیرمستقیم، قابل شناسایی است. اهمیت این یافته ناشی از آن است که این یافته‌ها می‌تواند به عنوان چراغ راهنما در تفسیر مواد این قانون و بازنگری در مواد مختلف آن استفاده شود. به این توضیح که قانون فعلی مجازات اسلامی نسبت به قاعده منع تعارض منافع، به صورت کلی، رویکردی انبساطی و حمایت‌گر دارد. لذا، در تفسیر مواد مختلف این قانون باید از این روح کلی - که در لابلای این قانون تعبیه شده است - حفاظت و پاسداری شود و به گونه‌ای مواد قانونی مزبور تفسیر شود که قاعده منع تعارض منافع مخدوش و محدود نگردد. اما نسبت به مواردی که در این قانون به صورت ناخواسته، این قاعده محدود شده است، لازم است با بازنگری در این مواد، زمینه‌های تسهیل‌گر ایجاد موقعیت تعارض منافع مدیریت و کنترل شود.

لذا با رویکرد توجه به قاعده منع تعارض منافع، تعداد چهارمورد اصلاح در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به شرح زیر پیشنهاد می‌شود: ۱- برای حمایت‌گری بیشتر از قاعده منع تعارض منافع، عبارت «قوانین راجع به تعارض منافع» به عنوان بند آخر به ماده ۱۱ این قانون افزوده شود. ۲- ضمانت اجرای ناظر به نقض قواعد تعارض منافع در بخش محرومیت از حقوق اجتماعی تصریح شود. ۳- قواعد مربوط به موانع مسئولیت کیفری با رویکرد قاعده منع تعارض منافع مورد بازنگری قرار گیرد. ۴- قانون‌گذار با تصویب قانون جامعی در زمینه تعارض منافع به جای عبارات پراکنده و مصداقی، تمامی انواع تعارض منافع را شناسایی و جرم‌انگاری کند.

## منابع و مأخذ

### الف- منابع فارسی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
 قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲  
 آل کجیاف، حسین، (۱۳۸۹)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی* (جلد اول) کلیات، تابعیت، اقامتگاه، وضعیت بیگانگان و پناهندگان، تهران: جنگل، چاپ یازدهم  
 ارفع‌نیا، بهشید، (۱۳۸۲)، *حقوق بین‌الملل خصوصی* (جلد اول) (تابعیت، اقامتگاه و وضع بیگانگان)، تهران: بهتاب، چاپ پنجم  
 انصاری، باقر، (۱۴۰۱) «مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۲۵، شماره ۱.  
 برسفورد فاستر، مایک، (۱۳۹۵) *خداوندان اندیشه سیاسی*، جلد اول، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.  
 بیرانوند، سعیدرضا، (۱۳۹۴)، *تعویق صدور حکم در حقوق کیفری ایران و فرانسه*، تهران: مجد، چاپ اول.  
 پاشایی، حسین، معتمدی، جواد، (۱۳۹۸)، «اصلاح فرایندهای قضایی در پرتو راهبرد رفع موقعیت تعارض، اصلاح فرایندهای قضایی در پرتو راهبرد «رفع موقعیت تعارض منافع» مجله حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دوره ۱۶، شماره ۱.  
 پرهیزگاری، عباس، (۱۳۹۷)، «راهکارهای مقابله با تعارض منافع»، نامه اتاق بازرگانی: سال ۸۸، شماره ۱۱۵.  
 جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق* (جلد دوم)، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم.  
 جنیدی، لعیاء؛ نیازپور، امیرحسین، (۱۳۹۹) *دانشنامه سیاستگذاری حقوقی*، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ اول.  
 جنیدی، لعیاء، (۱۴۰۱)، «پیشگیری از فساد با لایحه شفافیت اقتصادی» به نقل از سایت معاونت حقوقی رئیس جمهور به نشانی <http://lvp.ir/portal/home> در تاریخ ۱۴۰۱/۱/۹.  
 دادخدایی، لیلا، (۱۳۹۰)، *فساد مالی اداری و سیاست جنایی مقابله با آن*، تهران: میزان، چاپ اول.  
 صفائی، سید حسین، درویش زاده، محمد. (۱۴۰۳). *کاربرد تحلیل کیفی تماتیک (الگو محور) برای شناسایی رویه‌های قضایی غالب و قوی در نظام قضایی ایران*. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۲)، ۷-۱۵. doi law.2024.714254/۱۰.۲۲۰۳۴/۰۱۵-۷

صفائی، سید حسین، درویش زاده، محمد. (۱۴۰۳). کاربرد تحلیل کیفی تماتیک (الگو محور) برای شناسایی رویه‌های قضایی غالب و قوی در نظام قضایی ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی،

doi: 10.22034/law.2024.714254 . ۱۵-۷, (۲۲)۷

گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۴)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: مجد، چاپ ۵. گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلیا، (۱۳۹۵)، درآمدی بر قانون مجازات فرانسه، تهران: خرسندی، چاپ اول.

لاریجانی، باقر؛ پارسا، مجتبی؛ نمازی، حمیدرضا؛ (۱۳۹۱) «**راه حل تعارض منافع و مصادیق آن در آموزش و درمان**»، مجله طب و تزکیه شماره یک.

مارتی- مری، دلماس، **نظامهای بزرگ سیاست جنایی**، (۱۳۹۵) برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ سوم.

محقق داماد، سیدمصطفی، درویش زاده، محمد، (۱۴۰۲)، «**جلوه‌هایی از تعارض منافع در مصوبات شورای نگهبان**»، روزنامه اطلاعات.

محقق داماد، سیدمصطفی، درویش زاده، محمد. (۱۴۰۱). سرمقاله: **آوار «تعارض منافع» بر سر مردم رنج دیده آبادان**. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۵(۱۴)، ۷-۱۵.

doi: 10.22034/law.2022.252787

مرتب، یحیی؛ کشفانی نیا، وحید؛ عباسی، مصطفی؛ واتقی، محمد، (۱۳۹۹)، **تعارض منافع در بخش عمومی، شفافیت و پیشرفت**، تهران: شفافیت و پیشرفت، چاپ اول.

مصدق، محمد، (۱۳۹۹)، **شرح قانون مجازات اسلامی با اصلاحات (جلد دوم)**، تهران: جنگل، چاپ چهارم.

معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۹۶) **تعارض منافع راهکارهای پیشگیری و مدیریت**.

معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۹۵) «**مروری بر ادبیات جهانی پدیده «درب گردان» (جابه‌جایی اشخاص بین بخش خصوصی عمومی) ۲. حوزه‌ای پرمخاطره و تجربیات کشورهای منتخب**»، کد موضوعی: ۲۲۰ شماره مسلسل: ۱۵۱۶۴ آذرماه ۱۳۹۵.

معاونت حقوقی ریاست جمهوری، پیش نویس لایحه مدیریت تعارض منافع در خدمات عمومی، ۱۳۹۶، نیازپور، امیرحسین، (۱۳۹۶) **دانشنامه علوم جنایی اقتصادی**، تهران: میزان، چاپ اول.

وکیلیان، حسن؛ درخشان، داور، (۱۳۹۹) **راهکارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی با رویکرد تطبیقی**، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۹.

## References

- Al-Kajbaf, Hossein, (1389), Principles of Private International Law (Volume 1), Generalities, Citizenship, Residence, Status of Aliens and Refugees, Tehran: Jangal, 11th edition (in Persian)
- Ansari, Baqer, (1401) Conflict of interest management in the public sector, Public Law Studies Quarterly, Volume 25, Number 1(in Persian)
- Arfania, Behshid, (1382), Private International Law (Volume 1) (Nationality, Residence and Status of Aliens), Tehran : Behtab, fifth edition (in Persian)
- Beresford Foster, Mike, (1395) Gods of Political Thought, Volume I, translated by Javad Sheikhlul Islami, Tehran : Scientific and Cultural Publications, 8th edition (in Persian)
- Biranvand, Saeedreza, (1394), Procrastination of sentence in Iranian and French criminal law, Tehran : Majd, first edition.
- Bryan A. Garner, St. Paul, MN :Thomson Reuters,(2014) Black's law dictionary,tenth edition(in persian)
- Constitution of the Islamic Republic of Iran (in persian)
- Dadkhodaei, Leila, (1390), administrative financial corruption and the criminal policy to deal with it, Tehran : Mizan, first edition(in persian)
- Dauids, Cindy (2008), Conflict of Interest in Policing: Problems, Practices, and Principles, Institute of Criminology.
- Davis, Michael & Stark, Andrew (Eds.), (2001) ,Conflict of Interest in the Professions, Oxford University Press.
- Deputy of Economic Research, Majlis Research Center, (1396) A review of the world literature on the "revolving door" phenomenon (transfer of persons between the private and public sector) 2. A high-risk area and the experiences of selected countries, subject code : **220, serial number: 15164, December 2015(in persian)**
- Goldouzian, Iraj, (1384), Introduction to the Islamic Penal Code, Tehran: Majd, 5th edition(in persian)
- Guderzi Boroujerdi, Mohammadreza; Moqdadi, Leila, (1395), Introduction to the French Penal Code, Tehran : Khorsandi, first edition(in persian)
- Islamic Penal Code 1392(in persian)



- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, (1388), expanded on legal terminology (volume two), Tehran: Ganj Danesh, fourth edition(in persian)
- Junadi, Laiya; Niazpour, Amir Hossein, (1399) Encyclopedia of Legal Policy, Tehran : Vice President for Compilation, Revision and Publication of Laws and Regulations of the Presidential Legal Vice President, first edition(in persian)
- Junidi, Laiya, (1401), prevention of corruption with the economic transparency bill, quoted from the website of the legal assistant of the president at the address <http://lvp.ir/portal/home> on 9/1/1401(in persian)
- Larijani, Baqer; Parsa, Mojtabi; Namazi, Hamidreza; (1391) The solution of conflict of interests and its examples in education and treatment, Journal of Medicine and Cultivation number one(in persian)
- Marti-Mei Ray, Delmas, The Great Systems of Criminal Politics, (1395) Translated by : Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran : Mizan, 3rd edition(in persian)
- Mohaghegh Damad, Syed Mustafi, Darvishzadeh, Mohammad, (1402), Manifestations of conflict of interests in the resolutions of the Guardian Council, Information newspaper(in persian)
- Mohaghegh Damad, S. M., & Darvishzadeh, M. (2022). Editorial:The Catastrophic impact of Conflict of interest on the suffering people of Abadan. Journal of Research and Development in Comparative Law, 5(14), 7-15. doi: 10.22034/law.2022.252787 (in persian)
- Moratab, Yahya; Keshafinia, Vahid; Abbasi, Mustafa; Vathaghi, Mohammad, (1399), Conflict of Interests in the Public Sector, Transparency and Progress, Tehran : Transparency and Progress, First Edition(in persian)
- Mossadegh, Mohammad, (1399), Description of the Islamic Penal Code with Amendments (Volume II), Tehran : Jangal, 4th edition(in persian)
- Niazpour, Amir Hossein, (1396) Encyclopedia of Criminal Economic Sciences, Tehran: Mizan, first edition(in persian)
- OECD,(2005) Managing Conflict Of Interest in the Public sector A TOOLKIT, OECD Publishing Prepared at the request of the G20 Anticorruption

Parhizgari, Abbas, (1397), solutions to deal with conflict of interest, letter of the Chamber of Commerce : year 88, number 115(in persian)

Pashaei, Hossein, Motamedi, Javad, (1398), reforming judicial processes in the light of the conflict resolution strategy, reforming judicial processes in the light of the "resolving the conflict of interest" strategy, Tehran University Private Law Journal, Volume 16, Number 1(in persian)

Retrieved 1 July . 2024 from <https://commission.europa.eu>

Retrieved 12 May . 2024 from <https://www.oxfordreference.com>

Retrieved 2 Feb . 2024 from <https://www.transparency.org>

Retrieved 2July . 2024 from <https://www.equalrightstrust.org>

Retrieved 5July . 2024 from <https://legislationline.org>

safaey, S. H., & Darvishzadeh, M. (2024). Using Thematic Qualitative Analysis to Identify Predominant and Strong Judicial Policies in the Iranian Judicial System. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(22), 7-15. doi: 10.22034/law.2024.714254 (in persian)

Vakilian, Hassan; Derakhshan, Daver, (1399) Strategies for preventing and managing conflicts of interest in the judicial system with a comparative approach, *Judiciary Law Journal*, No. 109(in persian)

Vice President of Economic Research, Majles Research Center, (1395) Conflict of interest prevention and management strategies(in persian)

World Bank, OECD and UNODC, (2018) Preventing and Managing Conflicts of Interest in the Public Sector- GOOD PRACTICES GUIDE.